

حمام‌های خزینه

و آبی که شش ماه یک‌بار عوض می‌شد

همه خانه‌ها امروزه حمام دارند اما تا حدود نیم سده پیش، به جز اشراف و ثروتمندان، مردمان عادی حمام خانگی نداشتند. حمام‌های عمومی به همین دلیل در شهرها و مراکز جمعیتی شکل گرفته بودند. مردم در حمام‌های قدیمی افزون بر این که به شست‌وشوی خویش مشغول می‌شدند، به نوشتن محمود روح الاهی‌نی در نوشتار «حمام عمومی در جامعه و فرهنگ و ادب دیروز»، «برای دیدن و بازایسد، برای ترق و ترق مسائل اجتماعی، برای خریدوفروش و تصمیم‌گیری، همچنین درمان و معالجه، تدریس و تعلیم، صلح و آشتی، و خبرگیری و خبررسانی» از آنجا بهره می‌گرفتند. برخی کارهای پزشکی و پیرایشی نیز افزون بر این موارد، توسط دلاک‌ها در حمام صورت می‌گرفت. آنگونه که کار لا سرن، جهانگرد ایتالیایی در کتاب «مردم و دیندنی‌های ایران» روایت کرده است، دلاک‌ها نقشی مهم برای نظیف و تمیز کردن مشتری داشتند و افزون بر وظیفه روزانه خود به کارهایی چون ختنه‌گری، حجامت‌گری، دندان‌پزشکی و آرایشگری نیز می‌پرداختند «در گرمابه تنها استحمام نمیکنند بلکه به انواع آرایش و پیرایش دست می‌زنند. از جمله موی سر و ریش را به کمک سلیمانیهایی که وابسته به تشکیلات حمام‌اند، با حنا و رنگ رنگین میکنند».

خزینه، یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین فضاهای درونی حمام‌ها بود؛ محوطه‌ای سرشاز از آب که افراد معمولاً پیش از شست‌وشوی اصلی، درون آن رفته، و عمل غسل شرعی را انجام می‌دادند. یک یا دو عدد خزینه آب سرد نیز درون حمام، افزون بر خزینه آب گرم وجود داشت. افراد گوناگون هم‌زمان از آب خزینه بهره می‌بردند. حمامی برای تمیز کردن خزینه روش‌هایی گوناگون به کار می‌بردند؛ جارو کردن روی آب و گذاشتن آوار روی آب خزینه برای جذب چربی سطح آب و باشیدن شیرآهک، برخی از این راه‌ها به شمار می‌آمد. آب خزینه به نوشته جعفر شهری در کتاب «طهران قدیم» هر پنج یا شش ماه تعویض می‌شد که این مساله با کوس و کرنا به آگاهی اهالی محله‌ها می‌رسید. آنگونه که منابع گوناگون روایت کرده‌اند برخی بیماری‌ها همچون تنفسی، پوستی، تراخم و عفونت‌های قارچی و رودهای به دلیل شرایط نامناسب بهداشتی بیش تر حمام‌ها به ویژه از راه آب خزینه که به گونه مشترک استفاده می‌شد، شیوع می‌یافت. شاید جای شگفتی باشد که مردمان آن روزگار با وجود آلودگی آب خزینه، برای این آب، ویژگی‌های فراوان درمانی برمی‌شمردند و اعتقاد داشتند استفاده از آب خزینه به شکل‌های گوناگون در درمان زخم، جراحت، بریدگی، شکستگی، سرفه و تنگی نفس، زکام، ذات‌الریه، سل و سینه پهلو بسیار موثر است.

سقا، میر آب و صنف بشکه‌داران

آب و برداران

آب شهر تهران همانگونه که پیش‌تر آمد، تا پیش از لوله‌کشی آب از راه قنات‌ها تامین می‌شد. حدود ۴۸ رشته قنات وقتی و وقتی خصوصی در واپسین سال‌های حکومت قاجار، در دوره احمد شاه، وجود داشت که ساکنان تهران آب مورد نیاز خود را از آن‌ها می‌گرفتند. تقسیم آب قنات‌ها در میان محله‌های گوناگون و توزیع آب نوشیدنی در سطح شهر، مشاغلی را پدید آورده بود که برخی‌شان تا واپسین سال‌های دهه ۳۰ خورشیدی تداوم یافتند. سقاها، میراب‌ها و صنف بشکه‌داران و آب‌برداران، کسانی بودند که در این زمینه به ساکنان شهر به روش‌های گوناگون آب می‌رساندند. سقایی در گذشته از مشاغل سطح پایین جامعه به شمار می‌آمد. سقاها از پوست گوسفند، مشکی میبسا و درون آن را از آب می‌کردند. آن‌ها برای فروش آب، به در خانه‌ها و مغازه‌ها رفته، با لیوان یا کاسه سقایی به مشتریان آب می‌فروختند. توزیع آب به شکل سقایی و استفاده از مشک، به موجب یک سند تاریخی، در دوره پهلوی اول متروک شد. میراب‌ها، کسانی بودند که به روشی دیگر به محله‌های مسکونی شهر آب می‌رساندند. این کار به روش میاه یا اجاره آب و رساندن آن به محله‌ها انجام می‌گرفت؛ بدین‌شویه که اشخاصی آب‌های شهری را اجاره کرده، به وسیله میراب‌ها، محله‌ها را بر وفق میل و منافع خود مشروب می‌کردند. میرابی سقایی مهم برشمرده می‌شد؛ زیرا میراب تنها کسی بود که اجازه گشودن یا بستن آب را به خانه مردم داشت. آن‌ها همچنین مدیریت و شمارش زمان و تقسیم عادلانه آب را بر عهده داشتند. میراب‌ها همچنین افزون بر تقسیم عادلانه آب، در حل درگیری‌های محله‌ای نیز تأثیر می‌گذاشتند.



یک ایرانیان به هنگام حمل آب در شبکه در میانه‌های دوره پهلوی اول / عکس: موزه‌های تهران / تاریخ: بهار ۱۳۴۰

روایتی از دگرگونی فرآیند تامین آب پایتخت در دوره‌های قاجار و پهلوی

آب در لوله‌های تهران

آب‌های قنات‌ها و آب‌انبار‌ها در دوره قاجار چه بیماری‌هایی پدید می‌آوردند

دولت ایران بر پایه چه نیازی عملیات لوله‌کشی آب را در تهران اجرا کرد

خانه‌ها و محله‌ها جابه‌جا می‌شد. آب‌انبارهای محله‌ها در اندازه‌های گوناگون برای رفع نیازهای مردم پدید می‌آمد. بنابراین روایت جعفر شهری در «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم» آب‌انبار‌ها از آب‌های جوی‌ها و نه‌راه‌ها و آب‌باران در زمستان و پاییز تا همین امروز از این آب متعفن‌شده، هر کس استفاده می‌م‌نماید، مبتلای به هر گونه مرض می‌شود». حجم آب‌شهر در فصل‌های گرم سال کاهش می‌یافت، از این‌رو آب جوی‌ها به آب‌انبارهای

دیزی بزی و صابون‌بزی و غیره و غیره باشد. چگونه مورت امراض غریبه نمی‌شود و اگر بعضی کسان آب جاری در عمارت دارند و ازین آب مشروب نمی‌شوند، ناچار از بعضی اغذیه و مطبوخات که ازین آب در آن استعمال شده اکل و شرب می‌کنند. به علاوه، وقتی هوای شهر از این آب متعفن‌شده، هر کس استفاده می‌م‌نماید، مبتلای به هر گونه مرض می‌شود». حجم آب‌شهر در فصل‌های گرم سال کاهش می‌یافت، از این‌رو آب جوی‌ها به آب‌انبارهای

به شدت آلوده و بیماری‌زا می‌شد. تنها خانوارهایی در تهران به آب تمیز دسترسی داشتند که خانه‌هایشان محدود آب برخوردار بود. آب نوشیدنی شهر تا دوره پهلوی اول، از راه چند رشته قنات همچون بامنا، الهیه، سردار، حاج علی‌رضا و بهارستان تامین می‌شد. آب از مطهر این قنات‌ها در جوی‌هایی روباز سرازیر و پس از توزیع در شهر، به آب‌انبارهای محله‌ها و خانه‌ها منتقل می‌شد. این آب در مسیر خود به وسیله ساکنان شهر از راه شستن لباس‌ها و ظرف‌ها و ریختن زباله و فضولات

این شیوه آب‌رسانی تا پیش از لوله‌کشی آب در تهران برپا بود. صنف بشکه‌داران و آب‌برداران آب بدین ترتیب در پایتخت پهلوی اول شکل گرفت که افزون بر آب‌رسانی به مردم تهران، وظیفه لای‌رویی قنات‌ها و تصفیه آب را نیز بر عهده داشت.

این شیوه آب‌رسانی تا پیش از لوله‌کشی آب در تهران برپا بود. صنف بشکه‌داران و آب‌برداران آب بدین ترتیب در پایتخت پهلوی اول شکل گرفت که افزون بر آب‌رسانی به مردم تهران، وظیفه لای‌رویی قنات‌ها و تصفیه آب را نیز بر عهده داشت.

میراب‌ها اگر کارشان را درست انجام می‌دادند معمولاً به همه محله‌های شهر آب می‌رسید؛ گاه البته یک میراب با مردمان محله یا شخصی ویژه خرده حساب داشت که آن را بر سر تقسیم سهم آب تلافی می‌کرد. آن‌ها تر فندهای نیز در انجام

میراب‌ها اگر کارشان را درست انجام می‌دادند معمولاً به همه محله‌های شهر آب می‌رسید؛ گاه البته یک میراب با مردمان محله یا شخصی ویژه خرده حساب داشت که آن را بر سر تقسیم سهم آب تلافی می‌کرد. آن‌ها تر فندهای نیز در انجام

برای حاجی آب نداره، برای تو که نون داره

قنات بسیار علاقه داشت. او همچنین کوشید آب رودخانه کرج را با حفر قنات‌های و کانال‌های گوناگون به تهران برساند. او برای آگاهی از پیشرفت کار، گاه به دیدن چاه کن‌ها می‌رفت و راه و روش حفر بهتر قنات را به آن‌ها می‌آموخت. وی در یکی از روزها که برای بازدید از یک چاه به بیابان رفته بود تا اوضاع آن را بررسی کند، با واکنش متنی روبرو شد که توضیح می‌داد کوشش زیاد برای رسیدن به آب انجام داده است اما امیدی به آن چاه ندارد. میرزا آقاسی به او می‌گوید نامید نشوید و به تلاش تان ادامه دهید. صدراعظم پس از مدتی باز به بیابان می‌رود تا ز نزدیک پیشرفت کار را ببیند. او زمانی که به چاه نزدیک می‌شود، از متنی می‌پرسد آیا به آب رسیدن است. متنی باز پاسخ می‌دهد که حفر این چاه بی‌فایده است و اطمینان دارد به آب دست نمی‌رسد. این دیدار و گفت‌وگو چند روز دیگر رخ می‌دهد. چاه‌کن دوباره پاسخ می‌دهد که شما نمی‌خواهید بپذیرید کندن این چاه بی‌فایده است و ما فقط وقت‌مان را هدر می‌دهیم. صدراعظم از سخنان مرد متنی بسیار عصبانی شده، با صدای بلند می‌گوید «ای نادان؛ تو چکار به این داری که این چاه را برای تو که نون داره» که برای من نون ندارد برای تو نان که داره». کاری که حاجی میرزا آقاسی آغاز کرده بود، به هر روی بعدها تکمیل شد و امروز هم آبی که در بلوار کشاورز جریان دارد، همان آب کرج است.

آب اساسی‌ترین عناصر زندگی به شمار می‌آید. بر خورداری از آب سالم از نخستین نیازهای تمدن انسانی بوده است. ایران از گذشته‌های دور سرزمینی کم‌آب بود، از همین‌رو دسترسی به آب در گذر تاریخ این سرزمین اهمیت فراوان داشته است. آرتیسیان برای دسترسی به آب برای کشاورزی و شرب، به روش‌هایی خلاقانه و ابداعی روی آوردند که مهم‌ترین آن‌ها ایجاد شبکه‌های گسترده از قنات‌ها بوده است. مردمان این سرزمین بدین ترتیب می‌توانستند در دوره‌های دراز خشکی، به آب مورد نیاز برای نوشیدن و کشاورزی دسترسی داشته باشند. نظام آب‌رسانی تهران که در روزگار قاجار به پایتختی ایران برگزیده شد، به‌ر پایه قنات‌ها استوار شده بود. شهر با گذر زمان، از میانه‌های دوره قاجار با گستردگی عرصه و افزایش جمعیت، با مسائلی در زمینه تامین آب روبرو شد. شاهان قاجار توجهی ویژه به حفر قنات در تهران داشتند. اهمیت این مساله در فرهنگ اجتماعی تهران بسیار نمایان بود. چنانچه ضرب‌المثل‌هایی در این زمینه ساخته شد که امروزه نیز همچنان در فرهنگ روزمره کاربرد دارند؛ از جمله ضرب‌المثل معروف «ای حاجی آب نداره، برای تو که نون داره». که بر اساس یک رخداد تاریخی در زمینه ایجاد قنات شکل گرفته است. بر اساس روایتی که عبدالله مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من» آورده است، حاجی میرزا آقاسی صدراعظم محمد شاه قاجار به حفر چاه و

آب اساسی‌ترین عناصر زندگی به شمار می‌آید. بر خورداری از آب سالم از نخستین نیازهای تمدن انسانی بوده است. ایران از گذشته‌های دور سرزمینی کم‌آب بود، از همین‌رو دسترسی به آب در گذر تاریخ این سرزمین اهمیت فراوان داشته است. آرتیسیان برای دسترسی به آب برای کشاورزی و شرب، به روش‌هایی خلاقانه و ابداعی روی آوردند که مهم‌ترین آن‌ها ایجاد شبکه‌های گسترده از قنات‌ها بوده است. مردمان این سرزمین بدین ترتیب می‌توانستند در دوره‌های دراز خشکی، به آب مورد نیاز برای نوشیدن و کشاورزی دسترسی داشته باشند. نظام آب‌رسانی تهران که در روزگار قاجار به پایتختی ایران برگزیده شد، به‌ر پایه قنات‌ها استوار شده بود. شهر با گذر زمان، از میانه‌های دوره قاجار با گستردگی عرصه و افزایش جمعیت، با مسائلی در زمینه تامین آب روبرو شد. شاهان قاجار توجهی ویژه به حفر قنات در تهران داشتند. اهمیت این مساله در فرهنگ اجتماعی تهران بسیار نمایان بود. چنانچه ضرب‌المثل‌هایی در این زمینه ساخته شد که امروزه نیز همچنان در فرهنگ روزمره کاربرد دارند؛ از جمله ضرب‌المثل معروف «ای حاجی آب نداره، برای تو که نون داره». که بر اساس یک رخداد تاریخی در زمینه ایجاد قنات شکل گرفته است. بر اساس روایتی که عبدالله مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من» آورده است، حاجی میرزا آقاسی صدراعظم محمد شاه قاجار به حفر چاه و

آب زندگی بخش، بیماری می‌زاید!

آب مصرفی تهران در دوره قاجار بدین ترتیب کیفیت بهداشتی رانداشت و عملی بیماری‌زا به شمار می‌آمد. ویلم فلور، تاریخ‌نگار هلندی در کتاب «سلامت مردم در ایران قاجار»، از تراخم، بیماری‌های رودهای و قارچی پوستی، به‌عنوان مهم‌ترین وشاع‌ترین بیماری‌های مرتبط با آلودگی آب نام برده است. به نوشته فلور «همی از جمعیت به «کرکریا کرد» که نتیجه عفونت آب و غذای خام است» مبتلا بودند. این ایران‌شناس همچنین علت شیوع فراوان مالاریا در شهرهای ایران در عصر قاجار را رعایت نکردن بهداشت، وجود چاه‌های باز مستراح و آب‌انبارهای آشامیدنی دانسته است. جعفر شهری نیز در «کتاب تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم» حمام‌های عمومی را مهم‌ترین عامل انتقال بیماری‌های قارچی پوستی دانسته، وایت می‌کند «هر خانواده از طبقه اغنیاء و فقرا، کچل دیده می‌شد و برخی خانواده‌ها غالباً کچل بودند». این نگارنده تاریخ زندگی مردم تهران قدیم همچنین بیماری سالک را که در میان اهالی تهران بسیار شایع بود، برآمده از آلودگی آب می‌دانت که به دست خود مردم ایجاد شده بود.



مردم در حال لباس شستن روزانه در جوی آب - تهران - به سال ۱۳۳۷ خورشیدی / عکس: اینگه موراس

پایتخت ایران در آغاز سده چهاردهم خورشیدی چگونه شهری بوده است

شیفته رویای لوزان، زندگی به سبک تهران

معضلات شهری پایتخت ایران را در میانه دوره پهلوی اول بازمی‌گویند. نویسنده، نخست‌اشاره می‌کند «در هر محفلی، هر وقت صحبت بلدی به میان می‌آمد، لاقل یکی دو نفر پیدا میشوند که اوضاع بلدی طهران را با اوضاع بلدی اروپا مقایسه نموده و از اینکه پایتخت ایران هنوز دچار مشکلاتی است و توسعه نیافته، مبالغه می‌کنند. شاید هم اشخاصی یافت بشوند که تقصیر را یک قلم متوجه بلدی طهران نمایند». مقاله مدیر روزنامه «ستاره جهان» به مسائلی اشاره می‌کند که تهران ۸۵ سال پیش از سر می‌گذرانده است. تخلیه زباله‌های خانه‌ها در گذرگاه، ریختن پرف پشت‌بام‌ها در خیابان‌ها و کوچه‌ها، سرازیر کردن آب گل‌آلوده و پر از لجن و متعفن حوض خانه به آب‌انبار‌های دیگر خانه‌ها، نبود نظام گردآوری زباله‌های خانه‌ها و محله‌ها و سرانجام سخت‌گیری نکردن بلدی برای مجازات کسانی که به تصریح نویسنده «کار جنایت‌آمیز» انجام

دهه، تهران را «کنافت» کشفانده‌اند، از مواردی است که وی بدان‌ها اشاره کرده است. از درجه این نقد، در می‌یابیم تهران در آن روزگار از نظر استانداردهای شهری چه وضعیتی داشته است. هر چند به نظر می‌رسد، نگارش مقاله یادشده، با هماهنگی خود بلدی تهران بوده است تا زمینه اعمال سخت‌گیری‌ها و مالیات برای رفع مسائل موجود پایتخت فراهم آید.

اوپه‌نکته‌ای اشاره می‌کند که نشان می‌دهد یک آگاهی نسبی از وضعیت شهرهای اروپایی در این زمینه‌ها در ایران یافت می‌شد. کم‌در تهران وجود داشته است اما ساکنان تهران به دلایل گوناگون به پیروی از اصول شهرنشینی مدرن علاقه نداشتند. «فلان آقا که زباله دولت‌راگ خود را مرتباً در دو قدمی منزل سرازیر عابرین میریزد، خیلی تعجب میکند که چرا در برلن یا پاریس تمسک‌گار و آب دهان در خیابان انداختن ممنوع می‌باشد؛ غافل از اینکه اهالی

بوسیله رنگ مخصوص عبور خود را اطلاع می‌دهند که اگر کسی در بیرون آوردن صندوق تاخیر کرده است فی‌القور بیابورد. پس از این صندوق‌ها راعمله کامیون‌های یکی‌توی کامیون خالی کرده صندوق خالی را دم در می‌گذارند و رد میشوند و خانه‌ها را باید فی‌القور آن‌را براند و بداخل خانه ببرند». اعتمام‌زاده سپس پیشنهاد می‌دهد هزینه‌های چنان اقدامی از حق‌الزحمه‌ای تامین شود که «بلدی‌برای دفع کنافت‌ها از مردم بگیرد».

او در پایان نوشتار خود به نکته‌ای در زمینه نظام تامین آب شهر تهران اشاره می‌کند که با وجود بسیاری از دگرگونی‌های بزرگ غیر از جنبه سیاسی - اجتماعی در اواخر دوره قاجار و اوایل روزگار پهلوسی اول، همچنین در پایتخت جدید داشته است و تصویری سیاه‌از این حوزه می‌نماید «اما رفاه هیچ‌یک از کنافت‌کاری در آب مشروب‌اهالی، متناسب‌بافت‌های بی‌چاره غیر از جنبه سیاسی - اجتماعی در اواخر دوره نیست - و با بودجه غیر مکفی بلدی، فعلا عملی نمودن این منظور دشوار بنظر میرسد. معیناً اگر چند نفر در هر محله دچار متعفن بلدی و نظمی‌شده و بمجازت کار جنایت‌آمیز خود بر سرند، شاید بالاخره مایه عبرت برای عموم گردیده‌متر، جزا این خطر عظیم نجات‌یابیم».

آنها سالهاست تربیت شده و خودشان - اگر هم پلیس و بلدی به معاونت نکنند، باقتضای طبیعت نظافت‌پسند خود - از کثیف‌نموندن خیابان‌های تمیز پایتخت خودداری مینمایند. ماها - نظافت‌را می‌خواهیم ولی معتقدیم رعایت لوازم نظافت نیستیم». او اشاره‌هایی به مصداق‌هایی دارد؛ «وقتی‌که با اتومبیل در فصل زمستان و موقع بارندگی از کوچه‌های بالنسبه خارج از مرکز عبور نموده و ماشین‌ما در وسط تل برف که از پشت بام‌های مجاور ریخته شده گیر میکند دوچار خطر میگردد، هزار گونه ناسزا بر علیه اشخاص مردم از آن می‌گوئیم و ضمنتاً تعجب نمیکنم که چرا بلدی‌ها از ریختن برف‌بام‌در معبر عام جلوگیری نمیکنند، اما در همان موقع اگر تو خنک برف‌بام منزل را در حیاط بریزی، او را بیاد فحش میگیریم که چرا صحن خانه را پر از برف میکند و برف را توی کوچه نمیریزد» و «وقتی‌که فی‌المثل می‌خواهیم آب‌انبار منزل را پر کنیم، مشاهده مینمائیم که آب گل‌آلوده و پر از لجن و متعفن (که از حوض همسایه بالای منزل خالی شده) وارد آب‌انبار ما میشود، فورا بر علیه بلدی‌ها شروع به بدگویی مینمائیم. اما دو روز بعد، همینکه خیال خالی کردن حوض منزل افتادیم، طبعاً آب حوض و لجن حوض را میدهم توی جوی آب